

تفاوت تربیت اجتماعی دختران

در فرهنگهای مختلف (۱)

«هربرت باری - مارگارت - بیکن - ایروین. ال. چایلد»

ترجمه و تلخیص: دکتر ذبیح‌اله جوادی

در جامعه ما بین نوع خصوصیات و صفات شخصیت دو جنس (پسر و دختر) تفاوت وجود دارد و این امر بنظر روانشناسان معلول و نتیجه اختلاف تربیت و مواظبت از دختران و پسران می‌باشد. باید قبول کنیم که تفاوت شخصیت در پسران و دختران بیشتر جنبه فرهنگی دارد تا ارثی و بیولوژیکی و این اختلاف را میتوان از میان برد. جامع علوم انسانی

در اینجا سئوالی پیش می‌آید که آیا در مملکت ما، این اختلاف در توجه و مواظبت از پسر و دختر سبب شده است که در وضع بیولوژیکی تفاوت بوجود آید و یا مواظبت و برخورد فرهنگی تاثیر چندانی در این مورد ندارد؟ این مقاله مقام جواب دادن به این سئوال است.

داده‌ها و روشهای تحقیق:

مواد خام این تحقیق از قوم‌شناسان اخذ شده که میگویند نوع اجتماعی شدن کودکان در فرهنگهای مختلف متفاوت است. در این باره ۱۰۱ جامعه که بیشتر آنها بی‌سواد بوده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این جوامع از آن جهت انتخاب شده‌اند که اولاً گزارش قوم‌شناسان درباره آنها موجود است و ثانیاً از نظر نوع اجتماعی کردن کودکان متفاوتند و ثالثاً از نظر جغرافیائی توزیع درستی انجام شده و فرهنگهای مختلف در همه نقاط روی زمین مورد بررسی قرار

گرفته باشند. جنبه‌های مختلف اجتماعی کردن نوزادان و کودکان از نقطه نظر بوسیله دو نفر داور و روانشناس (خانم بیکن - آقای باری) درجه بندی شده‌اند. عواملی که درجه بندی در آنها حاصل شده شامل موارد زیر است:

۱- نحوه برخورد و توجه نسبت به کودکان.
 ۲- شدت درجه اجتماعی کردن کودک از سن ۴ و ۵ سالگی تا سن نوجوانی و شدت اجتماعی شدن شامل محرک‌های مثبت اجتماعی (مثل جایزه و تشویق) یا محرک‌های منفی (مثل تنبیه و توبیخ) می‌باشد.
 و متغیرهای مورد تحقیق عبارتند از:

الف. مسئولیت دادن به کودکان که این شامل مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی و مسئولیت‌های دیگر است.

ب. تهیه غذای دیگران یا اداره خانواده.

ج. تربیت کردن حس فرمانبرداری در کودکان.

د. مستقل بار آوردن اطفال.

ه. تربیت کودکان به نحوی انجام گیرد که آنها دارای هدفی شوند و بخاطر رسیدن بدان هدف فعالیت خود را تشدید کنند تا آنجائی که ممکن است برای رسیدن به هدف خود تلاش نمایند.

وقتی گفته میشود که در جامعه‌ای اختلاف جنسی نیست، یعنی بین پسر و دختر فرقی نمی‌گذارند و این نظر از سه راه حاصل تواند شد:

۱- دلیلی ثابت کند که در جامعه بین پسر و دختر فرق نمی‌گذراند.

۲- اگر اختلافی در تربیت دختر و پسر باشد چندان قابل قبول نباشد.

۳- محقق خود در این باب تحقیقی کرده و قوم‌شناسان در این باب چیزی در گزارش خود ننوشته باشند.

اختلاف در اجتماعی کردن پسران و دختران:

در انواع مواظبت‌ها و تربیت‌هایی که متوجه نوزادان می‌شود همه محققان اتفاق نظر دارند که پسر و دختر با یک دیگر فرقی ندارند. در نودوشش فرهنگ که این مواظبت در آنها اندازه‌گیری شده ۸۸ فرهنگ (نود و دودرصد) از لحاظ مواظبت از دختر و پسران از لحاظ متغیرهای مربوط (پنج مورد لیست‌ها) فرقی نداشته‌اند. این نتیجه‌گیری با نظریه نژادشناسان دایر بر اینکه نوزاد پسر و دختر فرقی ندارند هرچند از نظر جسمانی متفاوتند منطبق است. با توجه به متغیرهای مربوط به اجتماعی کردن در طول زمان کودکی نمی‌توان گفت که بین پسران و دختران فرقی نیست و کمتر اتفاق افتاده است که محققان گزارش داده باشند که پسران و دختران از لحاظ خصوصیات اجتماعی و صفات شخصیت بایکدیگر برابرند.

در ۱۰ درصد فرهنگها نسبت به متغیرانگیزه موفقیت ۶۰ درصد فرهنگها

نسبت به فرمانبرداری بین پسران و دختران فرق گذاشته‌اند. این اختلاف توجه در تربیت دختران به آماده کردن غذا و اداره خانه و فرمان برداری و احساس مسئولیت هدف اصلی است در حالیکه در پسران توجه به استقلال و انگیزه موفقیت بیشتر است حال بینیم که این اختلاف معلول چه عللی است. ما همه این موارد را مجدداً بررسی کردیم تنها یک نفر از همکاران ما جنسیت را علت این اختلاف دانسته است و در بیشتر موارد هر دو نفر نمره گذار معتقد بودند که دلیلی وجود ندارد که بین پسر و دختر تفاوتی باشد. در اینجا استثنائاتی وجود دارد بخصوص در مواردیکه بطور صوری و سیستماتیک پسران را طوری تربیت کنند که حس قبول مسئولیت در آنها بیشتر باشد. **ماساژی و اسوازی** قضاوت کرده‌اند که تربیت در پسران بیشتر متوجه آماده کردن آنها برای قبول مسئولیت است. با مقایسه وجوه پنج گانه اجتماعی کردن ما میتوانیم نتیجه بگیریم که قبول مسئولیت و تربیت این حس، بیشتر دستخوش تغییر است. در بعضی جوامع پسران را از این جهت بیشتر تربیت می کنند و در بعضی جوامع دختران را. اما در باره حس فرمانبرداری و اطاعت کردن فرقی بین دختر و پسر نیست. بسیاری از قوم شناسان گزارشهای تازه و تعجب آوری از فرهنگهای مختلف داده‌اند. توجه به اختلاف جنسی در فرهنگهای مختلف متفاوت است. مشاهده اختلاف اجتماعی کردن دختران و پسران با این نظریه جهانی موافق است که بین نقش مردان و زنان تفاوت وجود دارد مثلاً در امور اقتصادی مردان وظیفه بیشتری دارند. مردان از خانه بیرون میروند و فعالیت بیشتری انجام میدهند و شاید این امر به آن علت باشد که مردها برای اینکار آماده ترند. برای مثال میتوانیم شکار کردن را نمونه بیاوریم. تأکید روی تربیت اعتماد به نفس و استقلال جونی و کسب موفقیت در پسران شاید برای آن باشد که آنها را برای نقش اقتصادی که در هنگام بلوغ بعهده خواهند گرفت آماده کنند از طرفی دیگر زنها غالباً کار منزل را انجام میدهند و حواج اولیه دیگران را مثل غذا پختن و آب از چشمه آوردن تأمین می کنند و این فعالیتها به خصوصیت غذا دهنده بودن مربوط می شود و بودن آنها در منزل مهم تر است از مهارت آنها برای کار خارج. بنابراین تربیت برای غذا دهنده بودن و قبول مسئولیت و از جهتی هم فرمانبرداری کردن برای آن است که دختران را برای اجرای این وظایف اقتصادی که در آینده به عهده خواهند گرفت آماده کنند. این آماده کردن برای وظایف زمان بلوغ تنها منحصر به امور اقتصادی نیست. مثلاً شرکت در جنگها که کار مرد بشمار می رود موجب می شود که روحیه اعتماد به نفس و مهارت در جنگ را در او تقویت کنند. بیولوژی زنان و تربیتی که در اجتماع از آنها می شود آنها را برای غذا دهنده بودن آماده می کنند و در آنها قبول مسئولیت اداره خانه را بیشتر می کند تا در مورد مردان. بسیاری معتقدند که این اختلاف نقش مرد و زن بی دلیل نیست و اختلافات بسیار دیگر بین آنها موجب می شود که نقش اقتصادی و اجتماع آنها

فرق کند هر چند که نحوه تربیت هم در آنها یکسان باشد البته تفاوت بیولوژیکی زن و مرد بیشتر در زمان بلوغ ظاهر می‌شود و اختلاف اجتماعی کردن پسران و دختران مخصوص جامعه ما نیست و به خصوصیت بیولوژیکی و نوع زندگی زن و مرد مربوط می‌گردد.

تفاوت بین دختران و پسران:

با اینکه عموم مردم در فرهنگهای مختلف تمایل دارند که از نظر اجتماعی کردن بین دختران و پسران فرق بگذارند منابعی را که مادر دست داریم هماهنگی کامل جوامع را در این مورد تأیید نمی‌کند. مطالعه منابعی که ما در اختیار داریم بما اجازه میدهد که بگوئیم شرایطی وجود دارد که سبب می‌شود در جامعه‌ای فرق گذاشتن بین دختر و پسر بیشتر از جامعه دیگر باشد و از این نظر ما جوامع را بدو دسته طبقه‌بندی کردیم جوامعی که بین پسر و دختر تفاوت زیادی قائل می‌شوند و جوامعی که تفاوت کمتری قائلند و این طبقه‌بندی بوسیله محاسبه نمرات پنج متغیر اجتماعی بدست می‌آید.

اگر جامعه‌ای در سه متغیر حداقل یا حداکثر نمره را داشته باشد میتواند در طبقه مخالف طبقه دیگر قرار گیرد. البته این طریق برای طبقه‌بندی بسیاری از جوامع کافیست. طریقه دیگر این است که طبقه‌بندی بر این مبنا باشد که حداقل در دو متغیر بین پسر و دختر فرق زیاد بگذارند. مردان مردم را برحسب ۲۴ صفت طبقه‌بندی کرده و برطبق این طبقه‌بندی اختلاف بین جوامع و تعداد طبقات زیادتر می‌گردد. این جهات اختلاف عبارتند از تأمین وضع اقتصادی - ماندن در خانه - ازدواج وضع سیاسی، تشکیلات اجتماعی و غیره و جوامع میتوانند برحسب هر کدام از این وجوه طبقه‌بندی شده، در مقابل همدیگر قرار گیرند. در پاره‌ای از جوامع هر خصوصیتی میتواند پیش از یک ضد داشته باشد مثلاً در مورد ازدواج ممکن است در جامعه‌ای شیوه یک زن گرفتن و چند زن گرفتن رسوم باشد که این دوشد همدیگر و ممکن است چند زن گرفتن هم متفاوت باشد زیرا می‌توان در بعضی جوامع با خواهران ازدواج کرد و در بعضی جاها نمی‌شود. بنا براین مقایسه این جوامع نسبت به همدیگر تفاوت‌هایی پیدا می‌شود و در ۶ مورد از ۴۰ مورد اختلاف بین جنسها معنی‌دار است.

با توجه به مشاهداتی که انجام شده و نمراتی که بدست آمده میتوانم موارد زیر را نتیجه بگیریم.

۱- اختلاف گذاشتن بین دختر و پسر در اجتماعی کردن با اقتصاد بستگی دارد و کسی که برای تأمین اقتصاد تربیت می‌شود باید قوی باشد و مهارت و قدرت بدنی لازم را داشته باشد. شك نیست که این خصوصیات مردان است تازنان. جنس مرد در جوامعی که با شکار حیوانات بزرگ به کشت غلات بیش از غرس اشجار اهمیت می‌دهند و حیوانات بزرگ را بیش از حیوانات کوچک نگهداری

می‌کنند یا معاش خود را از راه ماهرگیری تأمین می‌کنند اهمیت بیشتری دارد. درجه فرق گذاشتن: با زندگی با شکار با زندگی جمعی، شکار فردی دسته جمعی و اهمیت شکار و زندگی جمعی.

۲- همبستگی: فرق گذاشتن بین دختر و پسر از نظر اجتماعی کردن میتواند به رسوم و سنن خانوادگی مربوط باشد مثلاً در خانواده‌ای که بطور جمعی گسترش - بیشتری دارد و والدین و فرزندان و خانواده آنها با هم زندگی می‌کنند و تعدد زوجات معمول است ممکن است این تفاوت‌گذاری محسوس‌تر باشد. مردان و وایتینگ معتقدند که وقتی ازدواج دو خواهر میسر باشد رابطه دو زن در خانواده صمیمی خواهد بود تا اینکه دوزن خواهر نباشند. توجه به اختلاف در خانواده‌های وسیع‌تر بیشتر است. همچنین تحریم زنا با محارم با این اختلاف رابطه دارد چون زنا با محارم موجب اختلاف شدید در داخل خانواده می‌گردد.

تنها در این مورد يك استثنا وجود دارد در مورد تعدد زوجات که زنان يك جا زندگی کنند یا جداگانه زندگی کنند در مورد تعمیم فقره ۲ احساس می‌کنیم که درجه محدودیت اجتماعی يك خانواده کوچک خود يك متغیر اجتماعی باشد و چون این خانواده محدود است مرد بایستی گاهی نقش زن را هم بازی کند وقتی که زن در خانه نیست یا قادر به انجام کارها، خانه نیست. در این چنین خانواده فرق گذاشتن بین پسران و دختران چندان معمول و مورد نظر نیست اما فرقی که يك خانواده کوچک با خانواده‌های دیگر ترکیب شد نقش زن را دیگر یا نقش مرد را مرد دیگر انجام میدهد بنابراین تفاوت گذاشتن در تربیت بین دختر و پسر چندان مفید نخواهد بود.

اما تعمیم اول که مربوط به اقتصاد است نمیتواند از متغیرهای مربوطه امور اجتماعی مستقل باشد. تربیت کودکان برای ایفای نقش اقتصادی مورد نظر يك قسمت مهم از متغیرهای مربوط به اجتماعی شدن بحساب می‌آید و معمول است که این تربیت برحسب نظام اقتصاد عمومی جامعه مختلف می‌گردد. ما باید تا کنید کنیم که بیهیچوجه نمی‌توانیم امور اجتماعی و اقتصادی را با هم یکی بدانیم و نمیتوانیم اولاً مبانی مربوط به اجتماعی شدن کودکان را با مبانی مربوط به اقتصاد که مربوط به فرهنگ بزرگسالان است مخلوط کنیم و در تعمیم دوم فقط میتوانیم بگوئیم که اطلاع از وضع خانواده و تشکیلات اجتماعی میتواند در نمرات اجتماعی شدن کودکان مؤثر باشد. این هر دو تعمیم برای فهم جامعه کنونی ما و این که چه باعث شده است که در جامعه ماکترین تربیت دختر و پسر تفاوت قائل شوند لازم به نظر می‌آید.

اقتصاد ما بیشتر جامعه ما کمتر از سیستم‌های اقتصادی جوامع پیشین به

مردان اهمیت میدهد و خانوادهای کوچک در جامعه ما غالباً شوهر وزن در آن واحد باید به کارخانه بروند و بکار بیرون بردارند و در نظام اقتصادی ما دیگر کار منزل بخصوص زنان و کار بیرون ویژه مردان بشمار نمی آید.

این هم مهم است که این شرایط در مورد ایالات و شهرهایی که اقتصاد ماشینی بیشتر است سبب می گردد که کمتر به تفاوت دختر و پسر توجه شود و در شهرهای کوچکتر بیشتر توجه میشود و از این مطلب چنین می فهمیم که در جوامع بزرگ چون تفاوت بین دختر و پسر کمتر است اثر این امر هم در تفاوت شخصیت دختر و پسر کمتر است به این معنی که دختر و پسر در امریکا از نظر شخصیت چندان تحت تاثیر جنسیت خود قرار نمی گیرند.

با بوجود آمدن شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی در جامعه امریکا تفاوت نقش زن و مرد از میان رفته و این امر موجب شده که بعضی تصور کنند که تفاوت کیفیت اجتماعی - شدن دختران و پسران نیز از میان رفته است و این عاری از صحت است.

پارسونز و بیل (۱۹۵۵) استدلال کرده که تفاوت نقش اقتصادی پسر و دختر

مثل تفاوت عمومی دختر و پسر مهم است.

اگر به این مطلب اضافه کنیم که اختلافات بیولوژیکی بین دختر و پسر سبب تقسیم این نقشها شده است در این جا دلایلی میتوانیم بدست آوریم که ثابت کند که تفاوت نقش اقتصادی مرد و زن در جامعه کنونی تفاوت جنسیت را

از میان نمی برد و همین جنسیت موجب تفاوت اجتماعی شدن می گردد.

در تربیتی که ما از کودکان می کنیم بعلمت اینکه به نقش اقتصادی آنها اهمیت نمی دهیم طوری عمل می کنیم که دختر و پسر برای زمان بلوغ خود آمادگی کافی پیدا نمی کنند این تربیت یک تربیت صوری و مدرسه ای است تا تربیتی که در خانه برای اجتماعی شدن داده میشود.

با تربیت کودکان بنحوی که توجه به نقش مردان بیشتر باشد مشکلاتی برای زنان در هنگام بلوغ پیش خواهد آمد در جامعه خود می بینیم که زنان چه اندازه به تعارض و ناکامی و تزلزل شخصیت دچار می شوند زیرا از کودکی زن بودن را به آنها یاد نمی دهند.

این استدلال مبتنی بر تحلیلی است که اسپرو در باره تحلیل نقش مردان

و زنان در کیبوتزهای اسرائیل بعمل آورده است.

هدف بنیان گزاران کیبوتزها این است که تفاوت رل مرد وزن را کم کنند در حالیکه اقتصاد کیبوتز یک اقتصاد مکانیکی نیست که به نیروی مردان نیاز شدید

وجود داشته باشد.

در اسرائیل در زمان کودکی زنان را برای ایفای نقش مردان آماده میکنند

در حالیکه بهنگام بلوغ زنان ناچارند نقش زن را بازی کنند و در خانه بمانند و

عدم هماهنگی موجب شود که زنان در اسرائیل با تعارض روحی و ناکامی

توجه به موقعیت اقلیمی:

بین قاره‌های نواحی عالم از نظر اندازه اهمیت به اختلاف جنس در اجتماعی کردن تفاوت وجود دارد. در کشورهای نظیر ایالات متحده امریکای شمالی و افریقا به تفاوت جنس اهمیت می‌دهند ولی در اقیانوسیه به اختلاف جنسی کمتر اهمیت می‌دهند و با استثنائاتی می‌توانیم بگوئیم که در آسیا و امریکای جنوبی هم به جنسیت اهمیت چندانی نمی‌دهند.

با توجه به اینکه متغیرهایی که برای بالا رفتن درجه اهمیت به جنسیت لازم می‌باشند در همه نقاط عالم وجود دارند این سؤال پیش می‌آید که چگونه با وجود متغیرهای مورد نظر وضع اقلیمی را می‌توانیم موثر بدانیم به این معنی که اگر شرایط برای فرمانبرداری در امریکا و آسیا و اقیانوسیه همسان باشد چگونه می‌توان گفت که نتیجه در این نواحی مختلف است.

اما برای اینکه همبستگی‌های مذکور را بار دیگر چک کرده باشیم باید آن را درباره نواحی مختلف بار دیگر بررسی کنیم. در اینجا امریکای شمالی - افریقا و اقیانوسیه را بطور جداگانه مورد تحلیل قرار می‌دهیم. در ۱۸ موردی که تحلیل کردیم همبستگی ۱۱ مورد مثبت درسه مورد منفی و در ۴ مورد صفر بود این نتیجه نشان می‌دهد که این همبستگی همان‌طور که در داخل در ناحیه درست است در بین نواحی هم صحیح است و نظریه ما را در این باب اثبات می‌کند.

خلاصه بحث:

توجه به نحوه اجتماعی کردن در ۱۱۰ کشور و فرهنگ مختلف نشان می‌دهد که تفاوت‌گذاری بین دختر و پسر چندان مهم نیست اما وقتی که کودک قدری بزرگتر شد در جامعه ما و نظایر آن طرز تربیت طوری است که دختران روحیه غنا دادن اطاعت کردن و اداره کردن خانواده بیشتر تقویت می‌شود و استقلال و اعتماد به نفس و کسب موفقیت و فعالیت‌های بیرون از خانه در پسران در اینجا نمونه‌هایی را می‌بینیم که برعکس موارد بالاست و ثابت می‌کند که فرهنگ بیشتر از خصوصیت بیولوژیکی موجب این اختلاف توجه به دختر و پسر است و فرهنگها از لحاظ این تفاوت‌گذاری مختلفند و تحلیل هم بستگی‌ها نشان می‌دهد که پاره‌ای از شرایط اجتماعی این تنوع را سبب می‌شود.